

متن پرسش

با عرض سلام و خدا قوت هیاهوی جوانی ۱. انسان، آیینهء تمام نمای حضرت رب العالمین است و از زمان پا گشایی بر جهان هستی و پس از رسیدن به اولین مرتبهء بلوغ، حجت زمینی او بر آن تمام است و آن نقشی که بنا بوده بر زمین حک کند را آغاز می‌نماید. جوانی، پر ثمرترین دوران زندگی زمینی انسان است که بدن وی در بهترین حالتی که میتواند به آن برسد، رسیده و اکنون دوره ویژه حضور اسماء و صفات تکاملی اوست که آن، همان حضور در دریای اسماء رب العالمینی است. ۲. جوان به دوران رسیده ای که با تمام خیالات عظیم نوجوانی به مرحلهء جدید و پر تلاطم زندگی اش رسیده، (البته اشتباه برداشت نشود که منظور اینست که تماماً پوشالی و دور از واقع است) با سرعت به دنبال اغنای خود و پیدا کردن حضور حداکثری خود در اکنون است. ۳. این ایام، هجمه ای از نصایح بزرگان و دور و نزدیکان بر سر جوان سرازیر می شود که: جوان تا جوانی و می‌توانی قدر جوانی را بدان و حسابی استفاده ببر که وقتی به سن ما رسیدی دیگر رقم هیچ چیزی را نداری و با یک انسان تسلیم روبرو خواهی شد. ۴. جوان پر شور و تلاطم، شروع به تلاش های بی وقفه ای می‌کند که نکند آن حضور اکنون بیکرانه ای را قرار بوده در آن سیر کند، از دست بدهد. اگر تمام هدف وی را به نگاره بنشینید، متوجه خواهید شد که یک هدف واضح و مشخصی نیست و دست آخر نیز از کار های او نمی‌توانید سردر بیاورید! و شاید که جوان را متهم به گفته ای بکنید: که جوان دست از این کار ها بردار و بچسب به زندگی ات، گویا منظورشان از زندگی همان زندگی مرده ایست که خودشان در آن به سر می‌برند. ۵. این نکته را نباید فراموش کرد که اللخصوص جوان آخر الزمانی ظرفیت های ویژه ای دارد که ما از آن غافلیم و در صورت ایجاد مانع برای وی، بزرگ‌ترین ضربه ممکن را به او زده ایم که تا قیامت قیامت شاید نتوان جبران کرد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! باید به حضور گرمی که جوان را در اموراتش بی‌طاقت کرده است؛ نظر کنیم و به جای تلاش برای توقف و سرخودگی او، میدانی بس گشوده و گسترده‌ای را با او در میان بگذاریم که به گفته شما میدان درک حضور حداکثری اکنون او است و البته حضور در چنین میدانی بدون سرگردانی‌های معمولی نیست. پس سرگردانی‌های او را نیز باید درک کرد. موفق باشید